

جوانان و خواستهای زنده گی شان

دوره جوانی مرحله یی از احساسهای گرم و طوفان زا، هیجان های جنون آمیز، تعقل کم و اقدامهای عاجل و آنی است که همیشه این خصلت و مشخصه سرنوشت اکثر جوانان را تشکیل میدهد. البته این صفت های مثبت، معقول و قابل پسند نبوده و پرابلمهای زیادی را با خود دارا میباشد و انبوه تکالیف را در امور زنده گی شخصی جوانان، فامیلها و نظم جامعه به وجود می آورد. ولی جوانان میتوانند با اندیشیدن در مورد خویش و تعمق کردن در عملکرد و رفتارشان در فامیل و جامعه و دریافت نتایج و انعکاسهای روش و موقف خویش در محیط و اجتماع جلو چنین کرکترهای ضعیف و منفی خویش را گرفته و موقعیت مثبت و عالی را برای خویش انتخاب کنند. جوانان هر یک به منظور داشتن موقف خوب و شایسته برای خویش و همچنان برای سایر جوانان در جامعه و محیط همه جانبه باید بی اندیشند و چیزهایی مطلوب را برای قشر خویش انتخاب و به ارمغان بیاورند. جوانان مقدم تر از هر چیز دیگر نیاز به تحصیل، داشتن مسلک و شغل مطمئن با در نظر داشت استعداد و علاقه مندی شان و عاید که بر طرف کننده مشکلات و نیازمندیهای عمده و اساسی زنده گی شان باشد، دارند.

جوانان همچنان در مورد پیدا کردن موقعیت خوب در جامعه و کسب شهرت خوب و نام نیکو برای خویش، باید همیشه مواظب باشند و در جهت داشتن روابط دوستانه با همقطاران، همکاران، همصنفان و در مجموع با همه انسانهای جامعه خویش و جوامع بشری و خدمت گزار بودن به نوع انسان و انسانیت باید بکوشند و همچنان ارزش و اهمیت قایل شدن برای همه آن چیزهای خوب و موجودات که با زنده گی بشریت و انسان ها در ارتباط میباشد و در ضدیت و مخالفت جدی با همه آن چیزهای که زیان آور و تباه کننده برای زنده گی انسانها میگردد قرار داشته باشند و

مبارزه علیه تمامی پدیده های منفی را در تمام عرصه های زنده گی جامعه بشری در شعار زنده گی و کار روزانه خویش قرار دهند.

جوانان باید بدانند که دشمنان زیادی چون باندهای ناپاک جنایتکار و مافیای مواد مخدر، باندهای قاچاق انسان و مافیای امور جنسی که پسران و دختران را به شکل بی رحمانه و غیر انسانی به خصوص نوجوانان و جوانان خوش قلب و پاک را که آگاهی از چگونگی جنایات شان ندارند، با نیرنگ و فریب منحرف کرده و به انحراف های اخلاقی و جنسی کشانیده و به مارکیت یا بازار سیاه فروش جنس و جنایت سوق میدهند. این باندهای نابه کار و فاسد نی تنها ترحمی به زنده گی جوانان نمی کنند حتی از اختطاف اطفال و قاچاق آنها از کشوری به کشور دیگر دریغ نمی ورزند و ترحم ندارند که ما شاهد اطلاعات و گزارش های رسانه ها درمورد میباشیم که از افغانستان، تاجکستان، ایران، چین . . . قاچاق اطفال (به خصوص دختران) صورت گرفته و به کشورهای خلیج و اروپا انتقال می یابند. افغانستان را در این پروگرام، قاچاقبران مرکز خویش و جاده اصلی غرض عبور دادن از یک کشور به سایر کشورها قرار داده اند.

از ضعف و ناتوانی دولت که توانمندی کنترل از امور را ندارد و به فساد گسترده دچار است، امنیت، نظم اجتماعی و قانونیت در نظام دولتی و جامعه وجود ندارد، بناً این شرایط یک فرصت مساعد برای قاچاقبران بوده و با استفاده از این فرصت، افغانستان مارکیت خرید و فروش انسان و قاچاق آنها، تولید و قاچاق مواد مخدر و هم محل خرید و فروش انواع سلاح ها و تجهیزهای نظامی و اعمال تروریستی و سایر جنایات قرار گرفته است که مورد نگرانی جدی میباشد، به خصوص تجاوزهای جنسی که در سال ۲۰۰۸ و بعد از آن جریان داشته که در افغانستان اصلاً سابقه نداشته است و برای مردم افغانستان نفرت انگیز و تحقیرآمیز است که با هیچ وجهه با کلتور، رسوم، اخلاق، عزت و حرمت مردم بیچاره و مظلوم افغانستان سازگار و قابل تحمل نیست. مردم با غرور ما به هر اندازه که تهیدست و فقیرهم باشند، ولی بی عزتی را نمیپذیرند و قابل قبول برای شان نیست، ولی باندهای جنایت کار و گروپ های مسلح اوباش وابسته به ارتجاع و گروپهای مسلح

حاکم و مسلط بالای اوضاع افغانستان تنها وسیله و عامل چنین اعمال تجاوز کارانه غیر انسانی میباشند. افراد معمولی جامعه اصلاً توانمندی و جرئت چنین کاری را ندارند و هیچ گاهی انجام نمی دهند، روشنفکران و تحصیل کرده ها و خانواده های روشنفکران هم مصدر و مجری چنین جنایت و خیانت نمی باشند و چنین وجدان آلوده و کثیف نخواهند داشت که مرتکب اعمال غیر انسانی به این وجه شوند. طبق ارقام سازمانهای مدافع حقوق بشر در افغانستان تعداد این وقایع بیشتر از ۸۰ واقعه صرف طی سال ۲۰۰۸ میرسد، که نزد آنها ثبت است و این که تعدادی از این اعمال بنابر دلایل مختلف (شرم و حیای) فامیلها و هراس از خطر حیاتی اعضای فامیل خویش با گلو های مملو از عقده ها و خفه شده سکوت اختیار کرده اند و موضوع حیاتی و مهم سرنوشت فرزندان شان را سری و محرم نگهداشته اند که به گمان اغلب ارقام متذکره در مجموع افغانستان به صدها و هزارها و خارج از تصور اندیشه ما خواهد بود.

جوانان افغانی که در افغانستان و یا به کشورهای دیگر جهان به سر می برند. مسؤولیت و وظیفه دارند تا علیه این جنایت های پلان گذاری شده و غیر انسانی که به وسیله باندهای سیاه و تبهکار سازماندهی و انجام می یابد، مبارزه آگاهانه، فعال و همیشه گی نمایند. هر جوان نقش، وظیفه و رسالت خویش را درقبال چنین پدیده های نا به هنجار و زشت درک و مبارزه را در برابر آن وجیبه خویش بدانند.

چیز دیگری که برای جوانان مهم و قابل دقت است، این که: جوانان در مورد خویش باید دقیق بی اندیشند و مواظب باشند که قبل از اكمال مراحل تحصیل و سن قانونی به ازدواجهای قبل از وقت تمایل و علاقه مندی پیدا نکنند که ازدواجهای قبل از وقت و نارسیدن به مرحله معین سنی و تعقلی، برای شان پرابلم های جدیدی زنده گی را در عرصه های مختلف و از همه مهم تر در عرصه توافق و هم نظری در امور زنده گی مشترک و زنده گی فامیلی شان، در پیش رو خواهند داشت. جوانان نخست باید تحصیل نمایند و بعد کسی را که میخواهند تا شریک زنده گی آینده و فامیلی شان بسازند باید از جهت های مختلف مورد نظر سنجی، تعمق و تفکر خویش قرار دهند، مثلاً از

لحاظ سن و سال، از لحاظ علاقه مندی شخصی، کلتور، از لحاظ مناسبات و توافق خانواده گی و روابط اجتماعی، فزیک، از لحاظ رشته تحصیل و مشغولیت آینده، از لحاظ کرکتر شخصی و برخورد اجتماعی. در مورد انتخاب شریک زنده گی آینده برای جوانان همیشه وقت خوب و کافی وجود دارد و هیچ گاهی وقت از دست نمی رود. ولی در وقت مناسب و سن و سال معین باید در مورد بی اندیشند، تا بتوان پایه های ساختمان زنده گی آینده خوش را مستحکم و استوار بنا نمود.

قبل از رسیدن به سن قانونی ازدواج، پسران و دختران از دسترسی به خواسته های غیر مشروع و غیر مجاز و خوش گذرانی و خلاف روحیه اخلاقی جداً اجتناب ورزند. جوانان باید در پروسه انتخاب شایسته و مناسب از بلندپروازی ها و خواسته های غیر قابل تحقق و علمی و هوسهای تخیلی خودداری نمایند. جوانان باید یک انتخاب معقول برای خویش داشته باشند. دقیق، درست و برای همیشه و با پیشبینی نمودن پرابلم های جدی زنده گی آینده که سبب تلاشی شدن زنده گی شان نگردد.

جوانان به صورت قطعی و جداً روابط غیر مشروع امور جنسی (خرید و فروش) در بازار جلوگیری و برضد آن مبازه اخلاقی و انسای بی پایان خویش را همیشه در خط مشی شخصیت و زنده گی خویش قرار دهند. تجربه نشان داده است که اگر جوانان قبل از وقت و نارسیده به سن معین، تماس های جنسی غیر مشروع، برقرار نمایند به خطرهای جدی و حیاتی مواجه میگردند.

ازطرف دیگر هم به موقف اجتماعی و شخصیت شان در جامعه لطمه وارد میگردد و از جامعه تجرید منزوی میگردند، پرابلم های حاد اجتماعی را متحمل شده و نتایج نامطلوب دیگری را که در قبال دارد این که: سرنوشت تشکیل خانواده و ساختن پیوند زنده گی مشترک جوانان را به مرور زمان به تعویق می اندازد و طولانی تر میسازد. نظم و دسپلین زنده گی مشترک خانواده گی شان را برهم زده و پیوند ضعیف و شکننده را در زنده گی شان به وجود میاورد.

جوانان باید توجه بیشتر مبارزه شان را علیه منابع و مراکز باندهای که عاملین اصلی به بیراهه کشانیدن جوانان است معطوف بدانند که توسط تبلیغ های نادرست و غیر اخلاقی عوام فریبانه جنسی، اعلانهای تجارتي جنسی، دعوتنامه های صفحات کمپیوتر و به نمایش گذاشتن عکسهای برهنه و صحنه های غیر اخلاقی و به تجارت کشانیدن موضوعات جنسی که بالای روحیه و روان جوانان تأثیر گذار میباشد و جوانان را به گمراهی سوق میدهد، حق طبیعی و مشروع زنده گی جوانان و خواسته های قانونمند آنها را که حق طبیعی هر موجود زنده برای بقای حیات و عشق ورزیدن به زنده گی است به طرف غیر مشروعیت، غیر قانونی به پرابلمها و تباهی می کشاند، معطوف بدانند.

این باندهای جنایت کارجنسی چون باندهای مافیای مواد مخدر اهمیت و ارزش به صحت و سلامتی انسان و حفظ شخصیت و کرامت انسانی و سلامتی زنده گی خانواده ها و جامعه سالم بشری قایل نبوده تنها و فقط هدف و منظور پیدا کردن ثروت و درآمد های غیر معقول و نادرست به شیوه های غیر انسانی و ناجایز از وجود انسانهای شریف و پاک میباشند. چنین افراد که از وجود انسانهای دیگر استفاده سو می نمایند، در واقعیت افراد بی شخصیت و بی عزت بوده قابلیت و استعداد کار دیگری را به شیوه معقول غرض امرار معشیت زنده گی خویش ندارند لهذا آنها اعضای نا به کار و فاسد جامعه اند، که باید چنین افراد از جامعه تجرید، محکوم و به مجازات کشانیده شوند. خاطرنشان گردد که این گروه افراد با داشتن عاید کم و داشتن کار معمولی در جامعه بسنده نکرده میخوانند تا از این شیوه غیر اخلاقی و غیر انسانی شان عاید سرشار پیدا کرده، ثروت اندوزی کنند و در برابر، حیات هزارها انسانهای معصوم را به نابودی بکشاند و به امراض گوناگون مصاب سازند و هم زنده گی خوش و سعادت مندی را که در استقبال و انتظار آینده جوانان قرار دارد که زنده گیست - سالم باعزت و حرمت خانواده گی - آنها به نیستی برده و هیچ گاه آن آرمان و آرزوی را که خواست و امید هر جوان و هر انسان در زنده گی اش میباشد برآورده و عملی نگشته بلکه برای همیشه به آواره گی، بیچاره گی و حقارت رو برو و دچار باشند.

بناً وظیفه اخلاقی و انسانی هر فرد با احساس و نوع پرست است که غرض نجات چنین معصومین از هیولای جنایت پیشه گان و سیاه کاران و غرض داشتن جامعه سالم و شایسته انسانی علیه این باندهای فاسد مبارزه سرسختانه و وقفه ناپذیر خویش را در پیش گیرند. جوانان در برابر آینده زنده گی خویش و اجتماع مسؤولیت سنگین دارند تا اجتماع آینده باید نمادی از نهادهای سالم انسانی باشد که بتواند در برگیرنده تمام ویژه گی های عالی شخصیت انسانی، معیارهای اخلاقی و مناسبات پسندیده جامعه باشد و ما همه باید به صوب آن ساختار جامعه به پیش برویم و به منظور اعمار و تحقق آیدیا های مطلوب مبارزه پیگیر و جدی نماییم. قابل تذکر است که عامل پیدایش و موجودیت چنین باندهای جنایتکار و فعالیت شان تنها در وجود کشورهای بزرگ سرمایه داری و رژیم های وابسته به آن میباشد که بعداً به دیگر جوامع و کشورهای که در وابسته گی های سیاسی و اقتصادی با کشورهای سرمایه داری قرار دارند، انتقال می یابد.

28.05.2009